

## پیوند سلطنت طلبان و خودارزشی پنداران



عبدالجواد موسوی

شاعر و روزنامه‌نگار

بارها گفته‌ام و بار دیگر می‌گویم که این منطق حسین شریعتمداری را از بیخ و بن قبول ندارم که می‌گوید، چون موضع کسانی با آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها یکی است، پس نتیجه می‌گیریم آن‌ها هم آمریکایی یا صهیونیستند. درست مثل آن منطق می‌ماند که: سگ دندان دارد، انسان هم دندان دارد؛ پس انسان همان سگ است. در خیانت و دناات نتانیا‌هو اگر کسی شک داشته باشد باید به خیلی از چیزهایش شک کرد، اما اگر نتانیا‌هو ما را بابت اینکه به زیرساخت‌هایمان بی‌اعتنا بوده‌ایم تمسخر کرد، نباید او را چندان شتمات کرد. او دشمن است و از دشمن انتظاری جز این نمی‌رود: چه جای شکوه که دشمن ادب نگاه ندارد. ما هم اگر به جای او بودیم حتماً و قطعاً چنین می‌کردیم. البته که باید عصبانی شویم اما بیشتر از دست خودمان که چرا کاری کردیم که فرومایه‌ای چون او بتواند بر ما تسلّخ‌ر زند. اگر هم کسی در داخل به‌جای رجز خواندن و شعارهای بیهوده سردان از بی‌آبی و بی‌برقی سخن گفت، نباید او را به‌دلیل شباهت سخنانش با سخنان آن ام‌الخبثات، همدست نتانیا‌هو خطاب کنیم. این بدیهیات را که با همه بدیهی‌بودن‌اش از درک و فهم بسیاری از اهل سیاست خارج است، گفتم تا بگویم: با اینکه با منطق برادر شریعتمداری از اصل و اساس مخالفم اما وقتی شباهت مواضع و سخنان بعضی از مدعیان انقلابی‌گری با براندازان صهیونیست‌پرست از شمار و عدد خارج می‌شود، باید اندکی تأمل کرد. در سال‌های اخیر هر گاه صهیونیست‌ها مسرور بوده‌اند این دوستان هم در این‌جا به‌دست افشانی و پایکوبی برخاسته‌اند و هرگاه آنان محزون شده‌اند، این دوستان هم دودستی توی فرق مبارکشان کوبیده‌اند. چرا؟ یکی، دو بارش می‌تواند اتفاقی باشد حتی ۱۰ بار و ۲۰ بارش. اما وقتی کار به همخوانی و همپوشانی می‌رسد، ساده‌لوح‌ترین آدم‌ها هم شک برشان می‌دارد که نکند کاسه‌ای زیر نیم کاسه است. آخرین نمونه‌اش: همین خبر کنسرت همایون شجریان در میدان آزادی. هم‌نوابی صهیونیست‌پرستان و خودارزشی‌پنداران در اعتراض به این موضوع به کنسار؛ نکته جالب‌توجه‌تر این‌که: این جماعت به‌ظاهر مخالف با یکدیگر چنان در فرم و محتوای یگانگی رسیده‌اند که اگر اسامی‌شان را از بالای متن‌های اعتراضی‌شان پاک کنی، شاید نتوانی تمیز دهی کدام‌شان خودارزشی‌پندار است و کدامین‌شان برانداز دواتشه حامی حمله اسرائیل به ایران. همه آن‌ها خودشان را پشت شعار خوش آب و رنگ معیشت مردم پنهان کرده‌اند. توقع هم دارند ما باورکنیم همان‌هایی که روزهای موشک‌باران تهران با آهنگ «خی‌وای برم به تهران» در فرنگ، قر می‌دادند نگران معیشت مردم این ديارند. یا از آن‌ها بامزه‌تر، این جماعت مدعی انقلابی‌گری که ه‌روقت قافیه تنگ می‌آید، می‌گویند: «مگر ما به‌خاطر آب و نان انقلاب کردیم؟ ما می‌خواستیم ارزش‌های دینی و معنوی را در جامعه محقق کنیم». همین‌ها دور برداشته‌اند که: «مرد گرسنه‌اند و آب و برق ندارند و شما‌ها به فکر کنسرتید؟ آی جماعت! حواستان باشد که این‌مرفهان بی‌درد می‌خواهند حواس شما را از مصیبت‌های اصلی پرت کنند. اصلاً مگر چندنفر خواهان رفتن به کنسرتند؟» حالا اگر کسی بردارد و فی‌المثل همین وضعیتی را که این جماعت خودارزشی‌پندار از مردم ارائه می‌دهند، یعنی مردمی که گرسنه، تشنه، بی‌کار، خسته و به‌ستوه آمده‌اند و نای کنسرت رایگان رفتن را هم ندارند به تصویر بکشند؛ می‌شود: سیاه‌نما! می‌شود: غرب‌گدا. می‌شود: وطن‌فروش. من حقیقتاً نمی‌دانم پشت این کنسرتی که بعضی از منتقدان می‌گویند همچین رایگان هم نیست، چه داستان‌هایی وجود دارد اما بر دل و دست و دیده ه‌ران کسی که بتواند در این روزگار، دلی را خوش کند و مردم را گ‌ردهم آورد تا دقایقی را فارغ از غوغای پلشت اینترنشنال و عریده‌های چندش‌آور زمره عبوس زهد کنار هم بگذرانند، بوسه می‌زنم. و چه خوب که این گ‌رده‌می‌آیی بهانه‌اش موسیقی باشد. و چه خوب‌تر که این موسیقی، نه موسیقی موردعلاقه دشمنان رسمی این آب و خاک باشد و نه موسیقی موردعلاقه دشمنان غیررسمی این آب و خاک. فقط امیدوارم اگر این کنسرت برگزار شد همه هو‌طنان حاضر در آن کنسرت، از بلایای طبیعی و غیرطبیعی در امان بمانند. به‌ویژه از توطئه‌ها و دسیسه‌چینی‌های کسانی که به‌نام حمایت از مردم حاضرند هر بلایی سر این مردم بیاورند. و کلام آخر این‌که: هرکسی می‌خواهد من و تو، ما نشویم، خانه‌اش ویران باد! ایدون باد!

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لینوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۳۱۱۱۴ • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



## «نود پلاس» با شکایت برگشت

## عادل فردوسی‌پور در بازگشت به سبک برنامه‌های تلویزیونی وارد دعوای حقوقی با باشگاه پرسپولیس شد

**گروه ورزش هم‌میهن:** عادل فردوسی‌پور بدون اطلاع قبلی هفته گذشته در همان ساعتی که به‌مدت ۱۷ سال برنامه‌نود را روی آنتن شبکه سه صداوسیما اجرا می‌کرد، برنامه‌یوتوبی خود را آغاز کرد که مطابق انتظار تبدیل به یکی از جنجالی‌ترین برنامه‌های اینترنتی چندسال اخیر شد. بعد از گذشت دوهفته از شروع مسابقات لیگ برتر، فردوسی‌پور پرونده‌ای را مورد بررسی قرار داد که مربوط به انتقال مجتبی فخریان، وینگر تکنیکی باشگاه شمس آذر به پرسپولیس بود؛ انتقالی که در ظاهر می‌توانست به سود هر دو طرف باشد اما در عمل، به مجموعه‌ای از پرسش‌ها و حاشیه‌ها ختم شد. تهیه‌کننده این برنامه ادعا کرد، باشگاه پرسپولیس به‌جای پرداخت مبلغ رضایت‌نامه ۱۵ میلیارد تومانی فقط مبلغ چهار میلیارد تومان به حساب این باشگاه قزوینی واریز کرده و حدود ۱۱ میلیارد تومان کم شده است. اتهام سنگینی که با پاسخ باشگاه پرسپولیس و البته شکایت از فردوسی‌پور همراه شد. اکنون این پرونده به یکی از موضوعات داغ فوتبال ایران بدل شده است؛ موضوعی که نه‌تنها بر مدیریتی پرسپولیس سایه انداخته، بلکه پرسش‌هایی جدی درباره شفافیت قرارداده‌ها و نقش رسانه در تصمیم‌سازی‌های فوتبالی ایجاد کرده است. در این گزارش قصد داریم جزئیات دعوای پینگ‌پنگی باشگاه پرسپولیس و عادل فردوسی‌پور را بررسی کنیم.

#### ➤ خرید جنجالی مجتبی فخریان؛ آغاز حاشیه‌ها

انتقال مجتبی فخریان به پرسپولیس در شرایطی انجام شد که سرخ‌پوشان پس از جدایی چند بازیکن کلیدی، نیاز جدی به جذب چهره‌های جوان داشتند. فخریان، که در شمس آذر توانسته بود عملکردی قابل قبول از خود نشان دهد، یکی از گزینه‌های اصلی نقل‌وانتقالات بود. پرسپولیس با سرعت وارد مذاکره و بازار نقل‌وانتقالات شد و با پرداخت مبلغی به‌عنوان رضایت‌نامه، توانست این بازیکن را جذب کند اما همین انتقال که می‌توانست در سکوت خبری و بدون جنجال به پایان برسد، با ورود برخی رسانه‌ها به حاشیه کشیده شد. با این توضیح که حق رسانه، ورود و بررسی به هر پرونده‌ای برای شفافیت هر ماجرابی است. گزارش‌هایی مبنی بر اختلاف در مبلغ پرداختی، شیوه عقد قرارداد و زمان بندی آن منتشر شد و همین موضوع پای عادل فردوسی‌پور را نیز به ماجرا باز کرد. او در یکی از برنامه‌های رسانه‌ای خود با طرح پرسش‌هایی درباره شفافیت این قرارداد، موجی از واکنش‌ها را در میان هواداران و کارشناسان ایجاد کرد. این اقدام سبب شد، باشگاه پرسپولیس در موقعیت تدافعی قرار گیرد و حاشیه‌ها از کنترل خارج شود.

#### ➤ ابهام در شفافیت

نکته اصلی اختلافات، به‌نوع قرارداد پرسپولیس بافخریان بازمی‌گردد. طبق اسناد منتشرشده، قرارداد این بازیکن شامل بندهایی بوده که با عرف معمول فوتبال ایران، چندان سازگار نیست. عادل فردوسی‌پور در برنامه اخیرش که منجر به‌گومگویی لفظی بامصطفی لشگری، سخنگوی باشگاه پرسپولیس، نیز شد مدعی گردید که باشگاه تهرانی می‌توانسته این بازیکن ۲۰ ساله را به‌صورت آزاد جذب کند اما مبلغ ۱۵ میلیارد تومان را به‌عنوان مبلغ رضایت‌نامه به باشگاه شمس آذر پرداخت کرده که از این مبلغ فقط چهار میلیارد تومان به حساب باشگاه قزوینی واریز شده و مبلغ ۱۱ میلیارد تومان، کم شده است. از آنجا که بسیاری از منتقدان معتقدند، مدیریت پرسپولیس در سال‌های اخیر بارها به‌دلیل قراردادهای سنگین و غیرشفاف با بازیکنان خارجی و داخلی مورد انتقاد قرار گرفته، این بار نیز الگوی مشابهی تکرار شده، بنابراین حق را در گام نخست به فردوسی‌پور دادند. درمقابل، مدیران پرسپولیس تأکید کرده‌اند که همه چیز در چارچوب قانونی انجام شده و ابهامی در قرارداد وجود ندارد. این اختلاف زمانی شدت گرفت که فردوسی‌پور در این گفت‌وگوی رسانه‌ای تأکید کرد؛ «شفافیت در فوتبال ایران باید به اصل غیرقابل مذاکره تبدیل شود» و از

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیبر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

• لینوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۳۱۱۱۴ • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

### نگاه هم‌میهن

## لغو کنسرت همایون و آسیب‌شناسی ممنوعیت شادی جامعه



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

همایون شجریان از لغو کنسرت رایگان خود در میدان آزادی تهران خبر داده است. رسانه‌ها لغوبرنامه را به‌شهرداری تهران نسبت داده‌اند. در مقابل مقام‌های شهرداری، ناهماهنگی و عدم برنامه‌ریزی را علت لغوبرنامه اعلام کرده‌اند و علیرضا راکانی شهردار تهران، استدادم آزادی را جای مناسبی برای برگزاری کنسرت آقای شجریان دانسته است. گویا از سال‌هایش همایون شجریان به دنبال کسب مجوز برای اجرای یک کنسرت در محیطی باز در شهر تهران بوده که در هر دوره به دلایلی مجوزی به او داده نشده است. در ماه‌های گذشته اما وزارت ارشاد دولت پزشکیان، مجوز لازم را صادر کرده ووزارت کشور هم با برگزاری کنسرت در میدان آزادی موافقت کرده است. با این حال، چنانکه بسیاری انتظار داشتند کنسرت به‌رغم کسب مجوز و تبلیغات گسترده پیرامون آن، لغو شد اجرای آن در همان محل یا در محلی دیگر مشخص نیست. فارغ از دلایل اصلی لغو کنسرت آقای شجریان و نهاد لغوکننده آن، مسئله اصلی از نقطه نظر سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این است که چرا برنامه‌ای که در بسیاری از کشورها در سرتاسر جهان امری عادی و معمول به شمار می‌رود، خبر برگزاری و لغو آن تا این اندازه سرصدا به پا کرده و به مسئله اصلی کشور تبدیل شده است؟ پاسخ به این پرسش به قدری روشن است که حتی نیاز به طرح ندارد چون چیزی که در دیگر کشورها امری معمول و عادی است در کشور ما به صورت معضلی همه‌جانبه آمده است.

سالیان درازی است که عده‌ای در کشور ما هر شادی‌بخش و خوشحال کننده را در زمره امور ممنوعه طبقه‌بندی کرده‌اند و تحت عنوان دینداری با آن مخالفت می‌کنند. جلوگیری از شادی کردن آزاد و امن مردم به صورت عمومی، بر افسار مختلف بخصوص جوانان و نوجوانان چنان فشار روانی و عصبی وارد کرده است که از یک سو، به شادی‌های مخفی توأم با نگرانی و اضطراب پناه برده‌اند و از سوی دیگر، از نیروهای مانع شادی و نشاط عمومی آنها متنفر و بیزار شده‌اند. این دو پدیده سبب شده است که یک کنسرت غیرسیاسی رایج در اغلب جوامع، در کشور ما از دو جهت اعتقادی و امنیتی مورد حساسیت قرار گیرد و به موضوعی سیاسی و جنجال برانگیز تبدیل شود.

در بین اندیشمندان اسلامی سخنی منسوب به پیامبر و امام علی رایج است که می‌گویند: «الأسنانُ خریصٌ علی ما مُنِع منه» (مردم به چیزی که از آن منع شوند، حرص می‌شوند). واضح است که سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی چند دهه اخیر دقیقاً در جهت خلاف حکمتی که در این روایت نهفته است، تنظیم و تحمیل شده است. در واقع، طیف ممنوعیت‌ها به اندازه‌ای وسیع بوده که مردم میل وصفناپذیری به آنها پیدا کرده‌اند. به نظر می‌رسد استقلال وسیع از فیلم‌های کم‌دی در سال اخیر بخصوص از نوع سطحی و مبتذل آن نیز بی‌ارتباط با ممنوعیت شادی و خوشحالی معمول در کشور نباشد.

شاید مدافعان ممنوعیت‌ها و سختگیری‌ها ادعا کنند که به‌هیچ‌وجه مخالف شادی و خوشحالی شهروندان نیستند و خود در انواع مراسم مولودی، حضان را به دست زن و اظهار عواطف شادمانه‌شان ترغیب و تشویق می‌کنند! این نوع دفاع خود گویای فهم نادرست و سطحی این جماعت از سرشت نوع بشر و غم و شادی‌های آنهاست. آنان گمان می‌کنند که شادی‌های هم قالب یکنواختی دارد و عموم مردم اعم از نواندیش دینی و دینداران مدنی و یا شناسنامه‌ای و بی‌دینان همگی دقیقاً باید از همان چیزهایی لذت ببرند که پاره‌ای از دینداران راست‌کیش و یا متشرعان متعصب و بنیادگرایان سختگیر لذت می‌برند!

همانطور که خداوند خطوط انگشت هر یک از مخلوقات انسانی را منحصر به فرد آفریده، علایق و سلیاق و گرایش‌ها و اسباب شادی و طرب و غم و اندوه آنان را نیز متفاوت خلق کرده است. تنوع و گوناگونی ذوق و سلیقه و پسند آدمیان را نادیده گرفتن و آنان را از نشاط مورد نظر خود منع کردن و صورتی تجربه‌آمیز از یک گرایش را به همه آنان تحمیل کردن، نتیجه‌اش قلابی کردن آدمیان به سبک نظام‌توتالیتری استالینی است که نهایتاً خشم و طغیان آنها را به دنبال دارد.

وقتی که جمعیتی به خشم آید، دیگر جمع شدن آنها در یک محیط عمومی نیز به مشکلی امنیتی تبدیل می‌شود و نیاز به کنترل پیدا می‌کند. از این رو، حضور جمعیت انبوه در هر مکانی حتی آنجا که قرار است آواری سنتی خوانده شود، وارد معادله‌ای با ملاحظات امنیتی می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد که یکی از دلایل اعلام‌شده لغو کنسرت همایون شجریان در میدان آزادی نگرانی از میزان حضور جمعیت و نوع کنش آنها در هنگام مراسم و بعد از آن باشد.

همه این موضوعات سبب بهره‌برداری معتقدان به براندازی حکومت نیز می‌شود. پس از دوره‌های طولانی ممنوعیت برگزاری مراسم مختلف عمومی از جمله برنامه کنسرت در محیط‌های باز، هر حرکتی از جانب نهادهای حاکم برای تغییر این رویه با واکنش هیستریک آن نیروها روبه‌رو می‌شود. آنها هر اقدامی که فضا را تلطیف و یا مقداری بازتر کند به مثابه تلاشی برای انحراف افکار عمومی از انبوه مشکلات مبتلا به جامعه و در عین حال پهبود و چه نظام معرفی می‌کنند و شهروندان دخیل در آن را مورد تاخت و تاز و تبلیغات زهرآگین خود قرار می‌دهند. آنچه به واقع آنان را نگران می‌کند، باز شدن راهی برای اصلاح وضع موجود و جلب رضایت شهروندان است که عملاً هرگونه فعالیت براندازانه را خشتی و بی‌اثر می‌سازد. از این رو واکنش آنها فقط به هنرمدانی که قادر به تلطیف فضای عمومی هستند، محدود نمی‌ماند و همه‌فغان عرصه‌های مختلف را شامل می‌شود.

با این حساب، لغو برنامه‌هایی از نوع کنسرت همایون شجریان و یا نگرانی امثال خود او واکنش ضعیف و غیر اخلاقی و به‌هتان آمیز جمعی افراد سیاست‌زده جویای قدرت آن هم به قیمت محنت جامعه و تهدید ثبات و بقای کشور، از آسیب‌هایی است که نباید تسلیم آنها شد. تسلیم در این زمینه یعنی باز شدن مسیری که در بهترین حالت آخرین ایستگاه آن ناکجا آباد است.